



امام جواد علیه السلام

«مولود پر خیر و برکت» تعبیری است که امام رضا علیه السلام در وصف فرزند خود فرموده است.^۱ زمانی که امام جواد علیه السلام به امامت رسید، مأمون بر مسند خلافت بود. این خلیفه عباسی در ادامه سیاست گذشته خود، برای زیر نظر داشتن امام جواد علیه السلام دخترش را به همسری ایشان درآورد. معتصم عباسی نیز امام را به بغداد فراخواند تا از نزدیک فعالیت‌های حضرت را زیر نظر بگیرد. درخشان‌ترین دوره امامت امام جواد علیه السلام مناظرات و گفت‌وگوهای علمی است که نقش اساسی در تثبیت امامت ایشان داشت.

در این درس سؤال‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

- ۱ سیاست خلفای هم عصر با امام در مقابل حضرت چه بود؟
- ۲ کدام بخش از دوره امامت امام جواد علیه السلام اهمیت ویژه دارد؟

► اوضاع سیاسی عصر امام جواد علیه السلام

برای شناخت و فهم نقش امام جواد علیه السلام در رهبری جامعه اسلامی و شیعیان ناگزیر باید شناخت کافی از اوضاع آن دوره به دست آورد. دوران حدود هفده ساله امامت امام جواد علیه السلام به دو بخش مجزا قابل تقسیم است. حضرت با دو خلیفه عباسی که از جهت شیوه حکومتی با هم متفاوت بودند اما در دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله اشتراک داشتند، معاصر بود. دوره اول: پانزده سال از دوره امامت حضرت در روزگار مأمون بود که طولانی‌ترین بخش زندگی کوتاه حضرت به شمار می‌رود. دوره دوم: دو سال از دوره امامت حضرت در زمان معتصم سپری شد.

► دوره نخست امامت امام جواد علیه السلام

شرایط دوران پانزده ساله نخست امام جواد علیه السلام درست همان شرایط پدر بزرگوارش بود. حضرت این دوره طولانی را همزمان با خلیفه‌ای سپری کرد که از عالم‌ترین و زیرک‌ترین خلفا به شمار می‌رفت. مأمون سال ۲۰۴ ق. برای جلب نظر عباسیان و برخورداری از حمایت آنها به بغداد رفت و آنجا را مرکز حکومت خود قرار داد. پس از آن متوجه امام جواد علیه السلام شده، ایشان را به بغداد فراخواند. مأمون می‌دانست شیعیان از امام جواد علیه السلام به عنوان رهبر و پیشوای خود پیروی می‌کنند، از این رو نمی‌توانست حضرت را به حال خود رها کند. مدتی پس از ورود امام مأمون تصمیم گرفت دختر خود را به عقد حضرت درآورد و سیاست گذشته خود را در

۱. شیخ مفید، الارشاد، جص، ص ۲۷۹

محدود ساختن امام رضا علیه السلام و کنترل فعالیت‌های ایشان در مورد امام جواد علیه السلام به اجرا درآورد. همچنین با این سیاست فریبکارانه در میان دوستداران خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله که همچنان او را قاتل اصلی امام رضا علیه السلام می‌دانستند، مشروعیت خود را بازیابد. در ضمن به دنیا آمدن فرزندی از ایشان می‌توانست در آینده به عنوان محور حرکت‌های خود و بنی‌عباس قرار گیرد. البته ام‌فضل هیچ‌گاه صاحب فرزند نشد.

بنا به گزارشات تاریخی زمانی که مأمون قصد خود را مبنی بر ازدواج دخترش با محمدبن علی علیه السلام آشکار کرد عباسیان برآشفتمند و او را مورد نکوهش قرار دادند. آنها سن کم امام را بهانه قرار داده و همچنین او را فاقد دانش کافی در دین دانستند. عباسیان بیم داشتند که امام جواد علیه السلام به منصب ولایتعهدی برسد و یا حتی زمام قدرت را به دست بگیرد.

در نهایت مأمون به رغم مخالفت‌های بزرگان عباسی دختر خود را در بغداد به ازدواج امام علیه السلام درآورد. امام علی‌رغم تلاش مأمون برای اظهار تمایل به تشیع و حتی موضع‌گیری‌های آشکار وی در برخی از مسائل اختلافی به نفع شیعیان نظیر تخطئه معاویه و برتری امام علی علیه السلام هیچگاه در کنار مأمون قرار نگرفت و از او حمایت نکرد.

ایشان با وجود فراهم بودن تمام امکانات برای سکونت در شهر بغداد، رغبتی به ماندن در آنجا و تشریفات عباسی نشان نداد. زمانی که مأمون قصد عزیمت به سوی جنگ با رومیان داشت از او اجازه گرفته و به مدینه بازگشتند.

دوره دوم امامت امام جواد علیه السلام

دوره دوم زندگی امام جواد علیه السلام بسیار کوتاه بود. این دوره با عصر خلافت محمدبن هارون معروف به المعتصم بالله - مصادف شد. معتصم برخلاف پدر و برادرش از درایت و کاردانی لازم در امور سیاسی بی‌بهره بود. از این رو اقدامات او پس از به دست گرفتن قدرت، آینده خلافت عباسی را دچار چالش‌ها و

آشوب‌های جدی نمود. از جمله اقدامات او، استخدام ترک‌ها^۱ به جای عنصر ایرانی و عرب در سپاه خلیفه بود. مادر معتصم ترک بود و خودش هم نسبت به ایرانی‌ها و عرب‌ها بی‌اعتماد بود لذا ترجیح داد به کارگیری ترک‌ها در سپاه خود از توان رزمی آنان در راستای تقویت سپاهش بهره بگیرد. پس از مدتی کوتاه شمار سربازان ترک به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. محبوبیت ترکان نزد خلیفه موجب شد تا آنان خیلی زود به مقامات بالا ارتقاء یابند. کم‌کم رقابت میان آنها و اعضای قدیمی سپاه خلیفه افزایش یافت. از سوی دیگر فزون‌خواهی ترک‌ها و روحیه نظامی‌گری آنان آرامش و امنیت بغداد را برهم زد و مشکلاتی برای ساکنان آنجا ایجاد کرد. معتصم در اقدام بعدی ناگزیر شد بغداد را که تخت‌گاه شش خلیفه عباسی بود و از حیث تجاری و اقتصادی موقعیت بی‌بدیلی در جهان اسلام پیدا کرده بود ترک کند. معتصم پس از بررسی مناطق مختلف، منطقه سامرا در صد کیلومتری شهر بغداد را شناسایی و پایتخت را بدانجا انتقال داد.^۲ معتصم در کنار این فعالیت‌ها از امام جواد علیه السلام غافل نبود. علت ترس او از امام جواد علیه السلام به دو جهت بود: اول آنکه؛ امام از بزرگان علوی و شخص اول خاندان بنی‌هاشم بود که مورد توجه دوستداران اهل بیت بود و در میان مردم نیز روز به روز نفوذ بیشتری می‌یافت. و دوم؛ امام جواد علیه السلام داماد مأمون بود و به گمان عباسیان نزدیک‌ترین فرد به خلیفه است که می‌تواند وارث تاج و تخت شده و قدرت را به دست بگیرد.

معتصم نامه‌ای به کارگزار خود نوشت و از او خواست امام را به همراه ام‌فضل راهی بغداد نماید. امام جواد علیه السلام پس از اطلاع از دستور معتصم آماده سفر شد و به همراه ام‌فضل راهی بغداد شد. در این سفر امام جواد علیه السلام با شخصیتی متفاوت از مأمون روبرو شد. خلیفه‌ای با روحیه نظامی و فاقد بینش علمی که دشمنی خود را نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آشکارا بیان می‌دارد. معتصم امام را در قصر خود جای داد و همواره مترصد فرصتی بود تا ایشان را از میان بردارد. در همین راستا به گروهی

۱. ترک‌ها از ماوراء النهر از مناطقی همچون؛ سمرقند و شهرهای اطراف آن خریداری شده و به بغداد آورده می‌شدند.

۲. ناظمیان فرد، علی، معتصم و سیاست انتقال پایتخت، ش ۱۱، مجله پژوهش‌های تاریخ ایران و اسلام.

از نزدیکان خود دستور داد تا امام را حاضر کنند و با تندی، ایشان را متهم به توطئه کرد پس از آن شاهدان را حاضر کرد تا به دروغ علیه حضرت شهادت دهند.

اقامت امام جواد علیه السلام در بغداد زمان زیادی طول نکشید و بنا به نقل برخی از مورخین^۱ حضرت به دست همسرش ام فضل که از طرف معتصم مأمور به این کار شده بود به شهادت رسید.

در برخی منابع تاریخی درباره بنای شهر سامرا این چنین نوشته اند :

چون دوران معتصم فرا رسید وی از سپاهسانی که در بغداد (مقر خلافت حاکمان پیش از وی) گرد آمده بودند و بنا بر دلیلی اعتمادی به ایشان نداشت در بیم بود، لذا به اطرافیانش گفت : جایی را برای من برگزینید که بدانجا رفته شهری بسازم و آن را پایگاه لشکر خود کنم، تا چنانچه از طرف سپاهیان بغداد حادثه‌ای رخ داد راهی برای نجات خویش داشته باشم و بتوانم از راه آب و خشکی بدانجا رهسپار شوم، سپس سامرا را برگزیده آن را بنا کرد و به آنجا شتافت. همچنین یکی از دلایل این اقدام معتصم را اعتراض فراوان مردم به ستم های فراوان سپاهیان بر شمرده اند. (الفخری فی آداب السلطانیة، ص ۳۲۱)

اوضاع فکری زمانه امام جواد علیه السلام

جنبش علمی گسترده

فراوان ایشان به امر آموزش و فراگیری علم به تدریج به عنوان یکی از مراکز علمی در جهان اسلام مطرح شد. مسجد این شهر همواره محل درس اهل بیت علیهم السلام بود و بزرگان، فقیهان و راویان از مناطق دور و نزدیک برای کسب علم بدانجا می رفتند.

کوفه : پس از مدینه، شهر کوفه در مرتبه بعدی قرار داشت. مسجد بزرگ این شهر به عنوان یکی دیگر از مراکز علمی مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که تفکر و اندیشه علوی کوفه را دربر گرفته بود. مسجد کوفه توجه خود را به علوم اهل بیت علیهم السلام معطوف کرد. حسن بن علی و شفاء^۲ در توصیف کوفه چنین گفته است : «در این مدرسه (مسجد کوفه) نهصد شیخ (عالم) را دیدم که همگی آنان می گفتند جعفر بن محمد (امام صادق) چنین حدیث گفت»^۱.

بغداد : این شهر در سایه توجه و اهتمام خلفا به صورت بزرگترین مرکز علمی آن دوره درآمد. جویندگان علم از مناطق مختلف آهنگ بغداد می کردند. حرکت های علمی و فرهنگی در این شهر موجب شکوفایی روزافزون آن شد. مدارس متعددی در این شهر بنا شد و

زمانه امام جواد علیه السلام به جهت جنبش علمی و فرهنگی از باشکوه ترین دوره های تاریخ اسلامی به شمار می رود. در شکل گیری نهضت علمی عوامل مختلفی تأثیر داشت از جمله تأکید فراوان قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله به علم آموزی، تلاش های گسترده امامان پیشین و تشکیل جلسات متعدد و تربیت شاگردان برجسته که هر یک در مناطق مختلف محوری برای گسترش علم و دانش اهل بیت علیهم السلام بودند.

علاقه و تلاش برخی از خلفای عباسی به رونق علم و دانش، تأسیس مدرسه و کتابخانه و تجهیز کتابخانه ها نیز تأثیر قابل توجهی بر این جنبش علمی داشت. به طور مثال مأمون مکاتباتی با پادشاه روم انجام داد و از او خواست اجازه دهد فردی را به روم بفرستد تا از میان کتاب های قدیمی موجود در خزانه پادشاهی نسخه های را انتخاب کند. پادشاه روم ابتدا نپذیرفت اما سرانجام تن به این خواسته داد.

برخی از مراکز مهم علمی آن دوره عبارت اند از :

مدینه : شهر مدینه پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به سبب توجه

۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، ص ۲۲۷.

۲. از شاگردان امام رضا علیه السلام و راویان حدیث.

۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۱، این مطلب کنایه از رواج نقل احادیث و علوم اهل بیت علیهم السلام در آن مکان است.

به تمام علوم عقلی و نقلی توجه می‌شد. حضور عالمان و اندیشمندان از سایر ملت‌ها و فرهنگ‌ها بر رونق علمی این شهر افزود. بصره: بصره یکی دیگر از کانون‌های علم به‌شمار می‌رفت. دستور زبان عربی در آنجا پدید آمد همچنین حضور برخی از بزرگان معتزله^۱ در این شهر موجب تکامل اندیشه‌های معتزلی گردید.^۲

رونق مکتب فکری معتزله

در دوران امام جواد علیه السلام جریان فکری معتزله با حمایت و پشتیبانی مأمون رشد چشمگیری یافت. مأمون عقیده آنان درباره مخلوق بودن قرآن را به سبب اغراضی که داشت پذیرفت. او فرمان داد کارگزاران، امیران لشکر و قاضیان در مورد این موضوع مورد آزمایش قرار گیرند و کسانی که این عقیده را قبول ندارند از کار برکنار و مجازات شوند. این ماجرا در تاریخ اسلام به «ماجرای محنت» شهرت یافت. به نظر می‌رسد که مأمون به جهت درگیر شدن آشکار با اهل حدیث (که عقیده‌ای خلاف خلق قرآن معتزله داشتند) به سبب نفوذشان در عامه و همچنین گرایش اموی برخی از آنها مانند احمد بن حنبل این عقیده را بهانه‌ای برای سرکوبشان قرار داد. بنابراین قضیه محنت که حدود بیست سال طول کشید یک مانور سیاسی از سوی بنی عباس برای سرکوب مخالفان بوده است و معتزله نقش مهمی در آن نداشته‌اند. آنچه هست معتزله این فرصت را برای تبلیغ آزادانه عقایدشان غنیمت شمردند. چنان که جاحظ، نویسنده بزرگ معتزلی بهترین و مهم‌ترین آثارش را در همین دوران پدید آورده است. (برگرفته از کتاب جاحظ اثر علیرضا ذکاوتی قره‌گزلو، ص ۵۲-۵۳)

مناظرات علمی

یکی از بخش‌های مهم زندگی امام جواد علیه السلام مناظرات علمی حضرت است. امام از دو سو به این مناظرات دعوت می‌شد: نخست از سوی دستگاه خلافت که با دعوت از دانشمندان آن دوره و برگزاری مجالس علمی امید داشت حضرت در پاسخ به سؤالات فروماند و در نتیجه جایگاه علمی و اجتماعی وی در میان شیعیان که قائل به علم الهی امامان بودند، خدشه‌دار شود. جهت دوم، خود شیعیان بودند. از آنجا که سن امام جواد علیه السلام هنگام احراز مقام امامت کم بود، تردیدهایی برای برخی از شیعیان ایجاد شد. آنان برای رفع اطمینان و زدودن هرگونه ابهامی در این زمینه به حضور امام می‌رفتند و سؤالات خود را در موضوعات گوناگون می‌پرسیدند. امام در تمام مناظرات پیشنهادی شرکت کرد و با توانایی شگرف علمی و معنوی خود چنان درخشید که دوست و دشمن را به تعجب واداشت. با توجه به اهمیت این مناظرات به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. در اولین اجتماع شیعیان پس از شهادت امام رضا علیه السلام، یکی از آنان موضوع سن کم امام را مطرح کرده و از حاضران خواست تا راه حلی برای شرایط جدید پیش آمده تا بلوغ حضرت ارائه دهند. این سخن با عکس‌العمل شدید حاضران مواجه شد. آنان در پاسخ گفتند: «امامت امری از جانب خداوند است و ربطی به سن ندارد». پس از این ماجرا هنگام فرارسیدن موسم حج و حرکت کاروان‌ها به سوی مکه، هشتاد نفر از دانشمندان و فقهای شیعه بغداد برای ملاقات با امام از مکه به مدینه رفتند. در جلسه‌ای که این عده با امام داشتند سؤال‌های زیادی طرح گردید و امام با استدلال‌های منطقی و مبتنی بر آیات قرآن به تمام آنها پاسخ داد.

۱. معتزله فرقه‌ای کلامی است که در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم شکل گرفت. نخستین رهبر مشهور این مکتب واصل بن عطاء (۸۰-۱۳۱) نام داشت. در اندیشه پیروان این جریان عقل - با وجود محدودیت‌ها و ناتوانی در کشف تمام حقایق - نقش تعیین‌کننده دارد. معتزلیان هر موضوعی را بر عقل و خرد می‌سنجند و تنها با یافتن توجیه عقلانی قابل پذیرش خواهد بود. از عقاید مشهور آنها این است که مرتکب گناه کبیره نه مؤمن است نه کافر بلکه در منزلی است میان دو منزل. (برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۱۱۷)

۲. افرادی همچون واصل بن عطاء، عمرو بن عبید، ابوالهذمل.

۲ همان طور که گفته شد زمانی که مأمون قصد خود مبنی بر ازدواج دخترش با امام جواد علیه السلام را مطرح کرد عباسیان به سن کم امام علیه السلام و در نتیجه علم ایشان در آن سن اعتراض کردند. مأمون جلسه علمی برگزار کرد و از یحیی بن اکثم - قاضی القضاة، فقیه و محدث بغداد - دعوت کرد. در این جلسه تنها دو سؤال مطرح شد. سؤال اول را یحیی بن اکثم پرسید. او که امام علیه السلام را نوجوانی ناآشنا به فقه و فروع آن تصور می کرد، سؤالی کلی از احکام حج پرسید. امام در پاسخ فروع آن مسئله را با مهارت کامل مطرح کرد به گونه ای که توانمندی و احاطه علمی ایشان بر اصول و مبانی دانش فقه آشکار شد. اوضاع چنان بر یحیی دشوار شد که نه تنها زمام بحث از دست او خارج شد بلکه با وجود توانایی بسیار ظاهر خود را نیز نتوانست کنترل کند. بنابر گزارش تاریخی، یحیی حیران شد و سردرگمی و ناتوانی در صورتش آشکار گشت و آنچنان به لکنت افتاد و دست و پای خود را گم کرد که تمام اهل مجلس به عمق ناتوانی بی بردند.^۱

سؤال بعدی را امام علیه السلام پرسید و یحیی از پاسخ درماند. مأمون که نمی خواست بیش از این امام علیه السلام فرصت داشته باشد به ظاهر از پیروزی ایشان اظهار خوشحالی کرد. پس از متفرق شدن حاضران مأمون پاسخ سؤال پیچیده ای که امام جواد علیه السلام آن را طرح کرده بود پرسید و امام به تک تک موارد پاسخ داد.

مأمون پس از شنیدن اعتراض بزرگان عباسی دستور داد تا مناظره ای با حضور امام جواد علیه السلام برگزار شود. فردی که برای مناظره در مقابل امام انتخاب شد، یحیی بن اکثم بود. در یک روز معین همه بزرگان و کارگزاران دستگاه خلافت و همچنین خود مأمون حاضر شدند. در ابتدا یحیی بن اکثم از مأمون اجازه خواست تا سؤال را مطرح کند. مأمون گفت: از خود او - منظور امام جواد علیه السلام - اجازه بگیر. یحیی از امام جواد علیه السلام اجازه گرفت و امام فرمود: هر چه می خواهی بپرس. یحیی گفت: حکم شخص مُحَرَّم که در حال احرام حیوانی را شکار کرده است، چیست؟ امام جواد علیه السلام فرمود: «آیا این شخص شکار را در محدوده ای خارج از محدوده حرم کشته است یا در حرم؟ عالم به حکم حرمت شکار در حال احرام بوده یا جاهل؟ عمداً کشته یا به خطا؟ آزاد بوده یا برده؟ صغیر بوده یا کبیر؟ برای اولین بار چنین کاری کرده یا برای چندمین بار؟ شکار او از پرندگان بوده یا غیر پرند؟ از حیوانات کوچک بوده یا بزرگ؟ از کار خود پشیمان است یا خیر؟ در شب شکار کرده است یا روز؟ در احرام عمره بوده یا احرام حج؟»^۱

ایشان با این سؤالات احاطه اش بر فروع را برای همگان اثبات کرد.

۳ مناظره ای دیگر از طرف مأمون و با حضور یحیی بن اکثم برگزار شد. قاضی القضاة این بار سؤال هایی از امام پرسید که مربوط به احادیث چالش برانگیز اعتقادی اهل سنت می شد. یحیی با این پرسش قصد داشت امام را به سکوت وا دارد زیرا اگر حضرت طبق مبانی تشیع پاسخ می داد بهانه ای به دست دشمنان داده بود تا آشکارا به مقابله با امام و شیعیان پردازند و اگر طبق نظر عموم پاسخ می داد شایع می شد که حضرت به اصول خود پشت کرده است.

امام جواد علیه السلام در این جلسه بدون برانگیختن احساسات اهل سنت چنین پاسخ داد که روایات جعلی زیادی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است. همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات هشدار داده بودند. پس هر حدیثی باید بر کتاب خدا عرضه شود تا صحت آن مورد تأیید قرار گیرد.

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ترجمه بهزاد جعفری، ص ۵۱۲.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۱.

۴ معتمد هم امام جواد علیه السلام را در برابر مناظرات علمی قرار داد تا در صورت سر زدن لغزش و اشتباه از سوی امام، آن را دستاویز خود ساخته و صلاحیت علمی حضرت را برای رهبری شیعیان زیر سؤال برد. در یکی از این مناظرات که با حضور فقهای برجسته آن دوره برگزار شد، مسأله مجازات شخصی که مرتکب دزدی شده بود، مطرح گردید. فقها هر یک نظر خود را گفتند. معتمد نظر امام را خواست. امام جواد علیه السلام با استناد به آیات قرآن پاسخ دیگری داد که مخالف نظر فقهای حاضر از جمله فردی به نام ابی داود^۱ بود. معتمد نظر امام را پذیرفت. ابن ابی داود بسیار آزرده خاطر شد چند روز بعد نزد معتمد رفت و عواقب ناگوار ترجیح رأی یک جوان - امام جواد علیه السلام - بر آراء فقیهان را گوشزد کرد. به گزارش برخی از مورخین بدگویی ابی داود زمینه‌ساز شهادت امام جواد علیه السلام شد.^۲

شرایط خاص زمانه امام جواد علیه السلام

۱ تا پیش از امامت امام جواد علیه السلام در تفکر عمومی مردم، فرد بالغ می‌توانست به مقام امامت برسد زمانی که امام رضا علیه السلام به شهادت رسید امام جواد در حالی به امامت رسید که حدود هشت سال سن داشت. به لحاظ تاریخی احراز مقام الهی در سن کودکی سابقه داشت. اما این وضعیت جدید در امامت امام جواد علیه السلام ظهور پیدا کرد و این موضوع گفتگوها و مباحثی در میان مردم و حتی شیعیان پدید آورد. به طوری که عده‌ای دچار تردید شدند که چگونه فردی با سن کم توانایی انجام چنین مسئولیت دشواری را دارد؟ دشمنان و مخالفان نیز این شرایط را فرصت مناسبی یافتند تا به مقابله با حضرت بپردازند.

۲ از دوره امامت امام جواد علیه السلام به بعد شرایط متفاوتی برای ائمه علیهم السلام به وجود آمد. ائمه علیهم السلام به شدت تحت مراقبت خلفای عباسی قرار گرفتند و ارتباط آنها با شیعیان به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت.^۳

امام رضا علیه السلام در زمان حیات خود بارها فرزندشان را به عنوان جانشین خود معرفی نمودند. به عنوان مثال زمانی که یکی از اصحاب از امام سؤال کرد: اگر پیشامدی برای شما رخ داد به چه کسی مراجعه کنیم. اما فرمود به فرزندم ابوجعفر. در این هنگام آن شخص سن حضرت را کم شمرد. امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام به آیاتی از قرآن همچون آیه ۱۳ و ۳۰ سوره مریم اشاره فرمودند. امام جواد علیه السلام در جای دیگر امام علی علیه السلام را به عنوان نمونه تاریخی مطرح کرد. با مراجعه به این آیات و همچنین ویژگی امام علی علیه السلام هنگام پذیرش دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پاسخ‌ها را کامل کنید.

امامت امام جواد علیه السلام زمینه‌ساز غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امامت امام محمد تقی علیه السلام با ویژگی‌های خاص خود بستر مناسب برای امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سن و سال کمتر را فراهم آورد. این موضوع سبب شد تا در آینده شیعیان به سادگی امامت حضرت را در شرایط غیر معمول تر بپذیرند و مشکلی جدی نیز ایجاد نشود. زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهت شرایط دشوار و پیچیده دوره خود حتی فرصت آن را پیدا نکرد که در مقابل توده مردم و مخالفان قرار گیرد و با علم الهی و غیبی خود جایگاه امامت را تبیین نماید.

۱. قاضی القضاة بغداد و از بزرگان معتزله.

۲. شریف قرنی، باقر، موسوعه سیره اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۱۴.

۳. در درس‌های آینده به این موضوع اشاره خواهد شد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام جواد علیه السلام

دوران زندگی امام جواد علیه السلام چندان نپایید. اما در این مدت کوتاه، حضرت از هر فرصتی برای تبیین معارف دینی و احکام الهی بهره می‌برد. بخشی از این معارف هنگام حضور امام در مناظرات که یا از سوی شیعیان و یا از طرف مخالفان برگزار می‌شد، مطرح می‌گردید. بیش از دویست روایت در مسائل فقهی، تفسیری، اعتقادی و اخلاقی به ایشان منسوب است و همچنین چندین رساله و پاسخ‌نامه به مسائل دینی شیعیان از ایشان باقی مانده است.^۱

۱ تربیت شاگردان: امام جواد علیه السلام با تشکیل جلسات درس، شاگردانی را پرورش داد که هر یک نقش مهمی در انتقال آموزه‌های اسلامی و احادیث آن حضرت به نسل‌های بعدی داشتند.

علی بن مهزیار، نام یکی از شاگردان امام جواد علیه السلام است. وی از راویان امام رضا علیه السلام نیز بود. علی بن مهزیار احادیث بسیاری از امام جواد علیه السلام روایت کرده است. حضرت در نامه‌ای که به این شاگرد برجسته خود می‌نویسد، از خدمات وی ستایش می‌کند. او حدود ۳۵ اثر در ابواب فقه، تفسیر و عقاید داشته است.^۲

۲ مکاتبه و توقیع: پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف، دسترسی آنان را به امام برای کسب معارف دینی مشکل کرده بود. سختگیری خلفا نیز برقراری ارتباط را مشکل ساخته بود. افزون بر این پس از رحلت هر امام به دلیل مشکلاتی که پیش می‌آمد، ارتباط با امام بعدی محدود می‌شد.

در زمان امام جواد علیه السلام نیز مدتی طول کشید تا شیعیان نسبت به امامت آن حضرت یقین پیدا کنند. با دشوار شدن ملاقات حضوری با امام، نگارش نامه و دریافت پاسخ آن یکی از راه‌هایی بود که ارتباط با حضرت را آسان می‌ساخت، بدین ترتیب در زمان امام جواد علیه السلام همانند زمان امام رضا علیه السلام شیعیان از راه نامه‌نگاری با امام خود ارتباط داشتند.^۳

در این نامه‌ها مسائل فقهی، کلامی، شرعی، دستورات مربوط به عزل و نصب و کیلان، نحوه عملکرد آنان و رسیدگی به حال شیعیان نیازمند مطرح می‌شد.

گسترده‌گی شیعیان در مناطق مختلف در این گزارش تاریخی آمده است:

شخصی از اهالی بُست^۴ و سجستان^۵ در ایام حج به حضور آن حضرت رسید و گفت: «والی ما از دوستداران اهل بیت بوده و به شما علاقه‌مند است، من نیز خراجی به دیوان بدهکارم. نامه‌ای به او بنویسید تا در این باره با من سختگیری نکند. امام فرمود: او را نمی‌شناسم. من گفتم: او از دوستداران شما اهل بیت است. حضرت کاغذی گرفت و بر آن چنین نوشت: «آورنده این نامه عقیده مبارکی را از تو نقل کرد. هر عمل نیکویی که انجام دهی از آن تو خواهد بود، پس به برادرت نیکی کن و بدان خداوند از تک‌تک اعمال خواهد پرسید.» نامه را از حضرت گرفتم و به راه افتادم. پیش از آنکه به سجستان برسم، این خبر به گوش والی آنجا، حسین بن عبدالله نیشابوری رسید و او در دو فرسخی شهر به استقبالم شتافت. نوشته حضرت را به او دادم. وی آن را بوسید و بر دیده نهاد و گفت: حاجت چیست؟ گفتم:

۱. باغستانی، اسماعیل، دانشنامه جهان اسلام، مدخل امام جواد علیه السلام.

۲. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۳۵.

۳. در موسوعه الامام جواد، نام ۶۳ تن از افرادی که حضرت با آنان مکاتبه داشتند، گردآوری شده است. (قزوینی، محمدکاظم، موسوعه الامام الجواد، ج ۲، ص ۴۱۶-۵۰۸)

۴. شهری کهن در جنوب غربی افغانستان که امروزه ویرانه‌های آن مجاور شهر لشکرگاه باقی است.

۵. سجستان معرب سیستان است.

خراجی به حکومت بدهکارم. به دستور حاکم، آن خراج را بخشودند. او همچنین دستور داد تا زمانی که والی است، از من خراج نگیرند. سپس از زندگی ام سؤال کرد و بعد به کارگزارانش گفت که برای من مستمری قرار دهند.^۱

۳ تقویت شبکه وکالت: دشواری ارتباط شیعیان با امام جواد علیه السلام، به جهت پراکندگی جغرافیایی و در نتیجه عدم امکان ملاقات مستقیم، و یا محدودیت های سیاسی، موجب شد تا امام جواد علیه السلام، به تقویت شبکه وکالت بپردازد، این شبکه به خوبی می توانست جایگزین ارتباط مستقیم باشد. حضرت، کارگزاران امینی را در سرتاسر قلمرو حکومت اسلامی، مانند خراسان بزرگ، مصر، اهواز، همدان، سیستان و... انتخاب نموده و به این طریق ارتباط خود با شیعیان را حفظ کردند و ضمن پاسخگویی به سؤالات و شبهات آنها، با دریافت وجوهات شرعی، به شیعیان نیازمند رسیدگی می کرد.^۲

یک توضیح

زکریا بن آدم اشعری قمی یکی از وکیلان و اصحاب امام جواد و امام رضا علیهما السلام بود. زمانی که فعالیت های شیعیان واقفی، بسیاری از دیگر شیعیان را در عقیده شان به امامت امام رضا علیه السلام سست کرده بود او بر عقیده ی خود باقی ماند و در شهر قم با این تفکر به مبارزه پرداخت. در منابع حدیثی و رجالی گزارش هایی وجود دارد که در آنها امام رضا و امام جواد علیهما السلام از منزلت او نزد خود سخن گفته اند. درباره وکالت او در زمان امام رضا علیه السلام گزارشی وجود دارد که طبق آن، حضرت، علی بن مسیب همدانی را که از ایشان برای یافتن پرسش هایش به سبب دوری راه کسب تکلیف کرده بود به زکریا بن آدم ارجاع داده و فرمود: «او در امور دین و دنیا امین و مورد اعتماد ماست.» (شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۵۱)

امام جواد علیه السلام نیز پس از وفات وی او را یاری رسان حق و اهل بیت علیهم السلام دانسته است. (رجال کشی، ج ۲، ص ۸۵۸)

قبر زکریا در قبرستان شیخان شهر قم واقع شده است.

پرسش های نمونه

- ۱ علت اعتراض عباسیان به مأمون چه بود؟
- ۲ چرا معتصم عباسی از جانب امام جواد علیه السلام احساس خطر می کرد؟
- ۳ مناظرات امام جواد علیه السلام از سوی چه کسانی برگزار می شد؟ دو مورد را بنویسید.
- ۴ کدام مکتب فکری در زمان امام جواد علیه السلام روتق و رواج یافت؟ چرا؟

۱. طوسی، التهذیب، ج ۶، ص ۲۳۵.

۲. علی بن مهزیار اهوازی، زکریا بن آدم قمی، سعد بن عبدالله اشعری قمی و ابراهیم بن احمد همدانی، از جمله وکیلان امام جواد علیه السلام بودند.